

بعد از تغییر حکومت در سوریه حتی جای آثار باستانی هم امن نیست

غارت تاریخ در سوریهٔ آزاد



مریم فضائی خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل آغاز شد، تصویری از موزه‌های ایران منتشر شد که نشان می‌داد تمام آثار باستانی یا به گنج‌های زیرزمینی منتقل شده یا دورشان را با فویل پوشانده‌اند و برای محافظت، دیوارهای سنگری دورشان ساخته بودند تا در برابر خطرات احتمالی در امان بمانند. پس از پایان آن روزهای سخت، موزه‌ها باز شدند و مردم توانستند دوباره برای دیدن گنج‌های تاریخی، به موزه‌ها بروند. اگر حدود ۲ هزار کیلومتر از تهران به سمت غرب سفر کنیم، به سوریه می‌رسیم؛ کشوری که تا ۱۶۷ روز پیش، پرچمی سه‌رنگ با خطوط قرمز، سفید و مشکی داشت و دو ستاره سبز در وسط خط سفیدش خودنمایی می‌کرد. امروز اما داستان متفاوت است؛ کشوری که زمانی به‌خاطر تاریخ و تمدنش معروف بود، حالا نه‌تنها پرچمش تغییر کرده، بلکه از آن شهر پررمزوراز و پر از فرهنگ نیز خبری نیست.
سکانداران جدید که از حکومت کردن، تنها عوض کردن رنگ قرمز پرچم به سبز و اضافه کردن یک ستاره دیگر به پرچم را بلند بودند، در نهایت کشوری ساختند که حتی تاریخ زیر خاکش هم در امان نیست! یکی از دردناک‌ترین آسیب‌هایی که سوریه در این روزها دیده، غارت و نابودی آثار باستانی است. در این گزارش، به دنیای مخفی و تلخ آثار تاریخی سوریه پرداخته‌ایم؛ جایی که برخی در میانه فقر و فروپاشی امنیت، به دنبال گنج‌های زیرخاکی هستند و تاراج تاریخ به سرعت ادامه دارد.

جولانی به آثار باستانی هم رحم نکرد

بعد از فروپاشی نظم امنیتی سوریه و بالا رفتن بی‌سابقه فقر، کشور وارد نوعی «تب طلا» شد. اما نه برای طلا؛ این‌بار گنج‌ها، موزاییک‌های هزارساله، سکه‌های امپراتوری‌های گذشته و تکه‌سنگ‌هایی با نقوش باستانی اند؛ میراثی که حالا به چشم مردمی که چیزی برای آن دست دادن ندارند، فقط یک راه فرار از گرسنگی و بدبختی به شمار می‌رود. یکی از مکان‌هایی که با هربار طلوع خورشید، شکلی متفاوت به خودش می‌گیرد و سوارهای عمیق‌تری در آن حفر می‌شود، شهر تاریخی «پالمیرا» است. با غروب آفتاب، پالمیرا دیگر آن شهر پرشکوه افسانه‌ای نیست؛ سایه‌ها سنگین‌تر و زمین، میزبان حفاری‌های بیشتری می‌شود. گروه‌هایی از مردم با بیل، کلنگ و گاهی حتی دریل، شبانه به آرامگاه‌هایی وارد می‌شوند که هزاران سال در خاک خوابیده‌اند. در دل تاریکی، مقبره‌ها شکافته، نقش برجسته‌ها کنده و سکه‌ها و مجسمه‌ها یکی یکی از دل خاک بیرون کشیده می‌شوند. با اولین نور صبح، این مردم رفته و تنها، گودال‌هایی به جا مانده‌اند که به تاریخ زخم زده‌اند. این اتفاق تنها برای پالمیرا نمی‌افتد. از روزی که دولت بشار اسد سقوط کرد، قاچاق آثار باستانی در سراسر سوریه جهش خیره‌کننده‌ای داشته. بر اساس داده‌های پروژه ATHAR که قاچاق آثار تاریخی در فضای مجازی را ردیابی می‌کند، از کل موارد ثبتی، یک سوم فقط برای چند ماه اخیر است. اینجاست که صحبت عمر و العظم، استاد تاریخ خاور میانه را می‌شود کامل با تمام وجود درک کرد: «وقتی حکومت از هم پاشید، هر مانعی هم از بین رفت. بنگه هیچ‌کس نبود که جلوی غارت را بگیرد.»

سوریه حالا پر از موزاییک‌ها و مجسمه‌هایی است که به‌راحتی سر از بازار سیاه درمی‌آورند. طبق گفته کتی پاول از تیم ATHAR، طی سه‌چهار ماه اخیر، حجمی از قاچاق ثبت شده که از هر کشور دیگری بیشتر بوده، حتی موزاییک‌هایی که قبلاً فروش‌شان یک سال طول می‌کشید، حالا ظرف دو هفته مشتری پیدا می‌کنند. دولت جدید سوریه با اینکه شاید تلاشی داشته تا جلوی این بحران را با تهدید یا ۱۵ سال زندان یا پیشنهاد پاداش برای تحویل آثار بگیرد، اما در نهایت نه‌تنها موفق نشده، بلکه خودش علنی برای این حجم از قاچاق شناخته شده. در کشوری که ۹۰ درصد جمعیتش زیر خط فقر زندگی می‌کنند، تهدیدها می‌اث‌ر و پاداش‌ها ناکافی‌اند و مردم برای زنده ماندن مجبورند دست به بیل و فلزیاب ببرند و حتی به تاریخ خودشان هم رحم نکنند. ولی این فقط کار مردم عادی نیست. شبکه‌های حرفه‌ای قاچاق هم وارد ماجرا شدند. برای مثال در شهر سلمیه، فعالان محلی ویدئوهایی منتشر کردند از حفاری‌هایی که با ماشین آلات سنگین تا عمق پنج‌متر زمین انجام می‌شود و نشان می‌دهد که مدت‌زمان زیادی این افراد مشغول به استخراج آثار هستند. حتی در بعضی موارد، موزاییک‌هایی کاملاً سالم و بزرگ از دل زمین بیرون کشیده می‌شوند؛ چیزی که نیاز به تجربه و تخصص قابل توجهی دارد.

با خروج این آثار از دل خاک، مستقیم روی اینترنت بارگذاری می‌شوند. فیسبوک حالا تبدیل شده به بازار مرکزی آثار باستانی دزدیده‌شده. گروه‌هایی با هزاران عضو، مجسمه‌های سنگی، تابوت‌های فرعون‌ی، و سکه‌های قدیمی را به مزایده می‌گذارند. در یکی از ویدئوها، مردی با لهجه مسوری موزاییکی را نشان می‌دهد که زنوس روی تخت نشسته. مرد با افتخار اعلام می‌کند که این فقط یکی از چهارتا موزاییک تاریخی است که دارد! در بعضی گروه‌های قاچاق در فیسبوک، قاچاقچی‌ها حتی از محل حفاری‌ها لایو می‌گذارند، از مخاطب نظر می‌گیرند که کجا را بکنند و دنبال خریدار می‌گردند. همین‌ها باعث می‌شود که میزان مشارکت از آنجا وارد بالا رفته و حتی درآمد بیشتری صرفاً از این طریق به دست بیاورند. بعضی از این گروه‌ها بالای ۹۰۰ هزار عضو دارند. در واقع، این گروه‌ها حلقه اتصال بین حفارهای فقیر و شبکه‌های حرفه‌ای قاچاق به حساب می‌آیند. بسیاری از آثار بعد از خروج از سوریه، به ترکیه و اردن منتقل شده و از آنجا وارد بازار جهانی می‌شوند. با جعل اسناد، آثار تاریخی بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال وارد حراجی‌های معتبر اروپا و آمریکا شده؛ جایی که موزه‌ها و کلکسیونر‌ها با خیال راحت، گنجینه‌های دزدیده‌شده خاور میانه را می‌خرند. یکی از راه‌های جدی برای جلوگیری از این روند، آسیب زدن به چرخه خرید و فروش در کشورهای غربی است؛ چراکه تمام این داد و ستد، برپایه معادله فروش و تقاضاست؛ تا تقاضایی نباشد، فروشی هم صورت نمی‌گیرد. البته، همه این‌ها تا زمانی که امنیت به سوریه برنگردد، انجام‌شدنی نیست.

حواستان به آثار باستانی که سرقت نشده باشد

در دل بحران سوریه، حتی جای میراث چند هزارساله‌ای که زیر خاک است، امن نیست؛ اما این‌بار نه فقط به‌خاطر بمب و گلوله، بلکه از دست قاچاقچی‌ها و سودجوهایی که آثار باستانی را به قیمت دلارهای بازار سیاه معامله می‌کنند. شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) با زنگ خطری بلند اعلام کرده که قاچاق و فروش غیرقانونی آثار تاریخی سوریه به‌شدت افزایش یافته است. از شهرهای بزرگ گرفته تا مناطق باستانی دورافتاده، دستگاه‌های فلزیاب به‌راحتی در دسترس‌اند و گنج‌یابی غیرقانونی به کاری عادی تبدیل شده است. بعضی‌ها هم از این شرایط سوءاستفاده کرده و آثار تقلبی، به‌خصوص سکه‌های جعلی



زبادی را وارد بازار می‌کنند تا سود بیشتری به جیب بزنند.

برای مقابله با این موج خطرناک، ایکوم در قالب پیشنهادی از مقام‌های سوری و حتی کشورهای همسایه مثل لبنان، ترکیه و عراق، که مسیرهای اصلی قاچاق از آنجا می‌گذرد، خواسته تا نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری به خرج دهند. از طرف دیگر، اعضای ایکوم در سوریه با ایجاد کمپین‌های مردمی تلاش کردند مردم را نسبت به عواقب حفاری غیرقانونی و اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی آگاه‌تر کنند.

اما در کنار همه این تلاش‌ها، ایکوم در سال ۲۰۱۸ یک ابزار مهم منتشر کرد: «فهرست قرمز اضطراری آثار فرهنگی سوریه». این فهرست شبیه یک راهنمای نجات است و از انواع اشیایی که بیشترین خطر قاچاق تهدیدشان می‌کند، نام برده. آثاری که اگر هر جایی خارج از سوریه دیده شوند، باید زنگ خطر به صدا درآید. البته، این احتمال که در این ۶ سال اخیر برخی از این آثار به سرقت رفته باشند، قطعاً وجود دارد.

فهرست قرمز به زبان‌های مختلفی مثل عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی و ترکی در دسترس است تا همه‌جای دنیا بداندند که این آثار فقط اشیا نیستند؛ بخشی از هویت مردمی‌اند که جنگ نتوانسته خاموششان کند. در ادامه، نگاهی می‌اندازیم به این فهرست ۳۴ موردی که هرکدام قدمتی عجیب در دل تاریخ دارند.

رابطهٔ مستقیم قاچاق و تروریسم

شاید در نگاه اول، قاچاق آثار باستانی فقط یک موضوع مربوط به موزه‌ها یا اشیای قدیمی باشد. اما واقعیت این است که این تجارت غیرقانونی، سال‌هاست به منبع مالی مهمی برای گروه‌های تروریستی و شورشی تبدیل شده. آن‌ها با غارت میراث فرهنگی کشورهای مثل عراق، سوریه، افغانستان، مالی و کامبوج، نه‌فقط پول به دست می‌آورند، بلکه هویت فرهنگی ملت‌ها را هم به نابودی می‌کشانند. سوریه نمونه‌ای آشکار از چگونگی تبدیل میراث فرهنگی به منابع مالی تروریسم است. با شروع جنگ داخلی در این کشور، قاچاق آثار باستانی نه‌تنها به صنعتی زیرزمینی و پرسود تبدیل شد، بلکه داعش از آن برای کسب درآمد و از بین بردن فرهنگ و تاریخ سوریه استفاده کرد. از سال ۲۰۱۳، گروه تروریستی داعش به شکلی سازمان‌یافته شروع به حفاری غیرقانونی و غارت آثار تاریخی در مناطق تحت کنترلش کرد. جالب اینجاست که برای این کار حتی یک اداره رسمی به نام «دیوان رگاز» راه‌اندازی کرد؛ نهادی که به حفاران مجوز می‌داد، از سود فروش آثار درصد می‌گرفت (گاهی تا ۸۰ درصد!) و اگر خرد خرد نمی‌توانست اثری را بفروشد، این اداره وارد عمل می‌شد و اشیای تاریخی را در بازار سیاه جهانی به فروش می‌رساند. یکی از تلخ‌ترین نمونه‌ها، شهر باستانی پالمیرا (تدمر) بود که در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار دارد. داعش پیش از آنکه این شهر تاریخی را تخریب کند، تا جایی که می‌توانست اشیای ارزشمندش را بیرون کشید و آن‌ها را فروخت. با اینکه در سال ۲۰۱۹ داعش بخش زیادی از قدرتش را در آن سرزمین از دست داد، اما فعالیت‌های قاچاقش تمام‌شدنی نبود. گزارش‌هایی وجود دارد که حاکی از آن است که بسیاری از اعضا و فرماندهان داعش، در مناطق کوهستانی و بیابانی، آثار دزدیده‌شده را پنهان کرده‌اند تا در فرصتی مناسب آن‌ها را بفروشند. مسیرهای قاچاق نیز کاملاً سزامان‌یافته و پیچیده‌اند. بخشی از اشیای دزدیده‌شده از سوریه، از طریق مرزهای شمالی به ترکیه منتقل شده و سپس از راه‌های مختلف مانند بالکان غربی به اروپا راه می‌یابند. برخی دیگر از طریق لبنان (دره بقاع) با اردن وارد بازارهای غیرقانونی می‌شوند. در مواردی، اشیا در لباس‌های مخصوص پنهان شده یا با قیاق‌های تفریحی حمل می‌شوند. اما یکی از مسیرهای جدید و خطرناک قاچاق، اینترنت و فضای مجازی است. قاچاقچی‌ها و حفارها نه‌تنها آثار دزدیده‌شده را در شبکه‌هایی مثل فیسبوک، اینستاگرام یا یوتیوب به فروش می‌گذارند، بلکه حتی ویدئوهای حفاری و فروش را منتشر می‌کنند و از میزان بازدید و تبلیغاتش هم پول درمی‌آورند! برخلاف قاچاق مواد مخدر که بیشتر در دارکوب انجام می‌شود، فروش آثار فرهنگی خیلی راحت در اینترنت و حتی پیام‌سان‌هایی مثل واتساپ صورت می‌گیرد. مبارزه با این چرخه خطرناک، فقط با همکاری جهانی ممکن است. از تقویت کنترل مرزها و گمرک‌ها گرفته تا تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تر در بازارهای آثار هنری؛ از آموزش عمومی برای شناسایی آثار دزدیده‌شده تا استفاده از فناوری‌های ردیابی دیجیتال در فضای مجازی؛ همه این‌ها می‌توانند کمک کند تا جلوی این تجارت مخرب گرفته شود. اما همه این‌ها نیاز به بستری امن دارد که فعلاً در سوریه، چنین چیزی دیده نمی‌شود.

پیشانی سیاه فیسبوک در فروش آثار باستانی

با اینکه فیسبوک از سال ۲۰۲۰ فروش آثار باستانی را به‌طور رسمی ممنوع اعلام کرد، اما روند حذف این نوع محتوا آهسته‌تر کند و ناکارآمد پیش می‌رود که هنوز هم این پلتفرم یکی از اصلی‌ترین محل‌ها برای قاچاق و فروش آثار تاریخی در فضای مجازی محسوب می‌شود. یکی از ویژگی‌هایی که این فضا را برای قاچاقچیان جذاب کرده، امکان ساخت گروه در فیسبوک است. این گروه‌ها جایی هستند که افراد با منافع یا علاقه‌های مشترک می‌توانند به‌صورت خصوصی و دور از چشم نظارت‌های عمومی با هم در ارتباط باشند. همین ویژگی، بستری عالی برای شکل‌گیری شبکه‌های قاچاق بین‌المللی ایجاد کرده؛ جایی که فروشندگان و خریداران آثار باستانی، خیلی راحت و پنهانی با هم معامله می‌کنند.

در سال ۲۰۱۹ پروژه‌ای به نام ATHAR انجام شد که به مدت دو سال فعالیت گروه‌های مرتبط با قاچاق آثار در فیسبوک را بررسی کرد، به‌خصوص گروه‌هایی که در سوریه فعال بودند. در این پروژه، ۹۵ گروه فیسبوک ردیابی شدند، ۳۵۳۹ پست ثبت‌شده بررسی شد. مجموع اعضای این گروه‌ها به



۱۹۴۷/۱۵ نفر می‌رسید که بیش از ۳۶۰۰ تصویر را جمع‌آوری کردند. نتایج این تحقیق تصویر روشنی از فعالیت یک بازار سیاه دیجیتال را نشان می‌دهد که در آن، آثار تاریخی کشورهای درگیر جنگ، از طریق فیسبوک به سراسر جهان قاچاق می‌شوند.

با رشد سریع فیسبوک طی یک دهه گذشته و نبود سازوکارهای مؤثر برای نظارت، این پلتفرم عملاً تبدیل به بازاری برای خرید و فروش غیرقانونی انواع کالاها شده، از جمله آثار باستانی. با اینکه فیسبوک خودش را رسانه‌ای برای انتقال آزاد اطلاعات معرفی می‌کند، اما عملاً به ابزاری برای گسترش شبکه‌های جنایی بین‌المللی تبدیل شده است. قاچاقچی‌ها از تمام امکانات فیسبوک برای فعالیت‌شان استفاده می‌کنند: از انتشار عکس و ویدئو گرفته تا پخش زنده، استوری، پرداخت‌های دیجیتال و پیام‌سان‌های رمزگذاری‌شده. به همین خاطر، خیلی‌ها فیسبوک را به «غرب وحشی شبکه‌های اجتماعی» تشبیه می‌کنند.

شاید مشکل اصلی اینجا باشد که قانون هم فعلاً پشت قاچاقچی هاست. طبق ماده ۲۳۰ قانون نزاکت ارتباطات آمریکا، شرکت‌هایی مثل فیسبوک در برابر محتوایی که کاربران منتشر می‌کنند، مسئولیت قانونی ندارند. هرچند فیسبوک سیاست‌هایی برای مقابله با فروش مواد مخدر یا قاچاق حیات‌وحش دارد،

آثار فرهنگی سوریه که به سرقت رفته‌اند یا بیشترین خطر سرقت و قاچاق را دارند

اسم و توضیحات آثار باستانی	دوره تاریخی
پیکره سفالی زن، حلف، ۸.۸ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
مجسمه‌های نذری از گل پخته، منطقه فرات، حداکثر ارتفاع ۲۱.۸ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
مجسمه مرمرین زنی از ماری با چشم‌های مرصع به صدف و سنگ آبی (لاجورد)، ماری، ۳۶ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
مجسمه مرمرین مردی از ماری با چشم‌مانی مرصع به صدف و سنگ آبی (لاجورد)، ماری، ۴۰ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
تندیس برنزی مردی در حال رژه با دست‌ی برافراشته و سری پوشیده از تزیینات طلایی، اوگاریت	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
بت‌های چشم از جنس آلایامستر، معبد چشم (تل براک)، ۴ در ۲.۶ در ۰.۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
نقش برجسته گچی آسآدو و سآادی، دورا-اوربوس، ۴۶ در ۴۶ در ۸ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
نیم‌تنه مراسم تدفین از سنگ‌آهک، پالمیرا، ۶۰ در ۴۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
مجسمه عاج نوازنده تبور، اوگاریت، ۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
پلاک عاجی زنی در کنار پنجره، اثر ارسلان تاش، عصر آهن، ۸ در ۹.۷ در ۱.۲ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران اسلامی (هزاره ششم پیش از میلاد – قرن پانزدهم میلادی)
بطری شیشه‌ای با دهانه دراز و پیازی‌شکل، شمال سوریه، ۱۳.۶ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
دیگ مسی با کف گرد تزئین شده با سه مرد با هاله و اشکال گل‌دار و هندسی، دمشق، ۱۱ در ۱۷.۷ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
مهر ووم اسنآوانه‌ای از جنس همانیت، اوگاریت، ۳ در ۲ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران بیزانس (هزاره ششم پیش از میلاد – ۶۳۶ میلادی)
گلدان سرآمیکی لعاب‌دار چندرنگ، ۳۳.۵ در ۲۶.۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
سنگ‌تراشی با تصویر گاو تر با سر انسان، ۱۰.۱۰ در ۱۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
کاشی شیشه‌ای طلاکاری شده با نقش صلیبی‌شکل، معره النعمان، ۹ در ۹ سانتی‌متر	دوران باستان تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
سکه برنزی آنتونینیانوس با نیم‌تنه تابشی امپراتور گالینوس، سوره (رقه)، ۲.۲ سانتی‌متر	دوره هخامنشی تا عثمانی (۵۳۹ پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
مهر ووم از جنس سنگ‌آهک قرمز، استان هاسک (تل براک)، ۶.۷۵ در ۵.۵ در ۱۰ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوران بیزانس (هزاره ششم پیش از میلاد – ۶۳۶ میلادی)
گوشواره هلالی طلایی با سنگ قیمتی مرصع، تل القیطا (حلب)، ۲.۵۹ در ۳.۲۱ در ۰.۲ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
چهاردرآخم نقره‌ای با مارک آلتوتنی و کلنژ پاترا هفتم، راس بن هانی (لاتاکیا)،	دوره هخامنشی تا عثمانی (۵۳۹ پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
لوح برنزی مریم‌ی، ماری، ۱۱ در ۱۱ سانتی‌متر	اوایل عصر برنز تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
چراغ برنزی، منطقه دمشق، ۲.۷ در ۱۳.۲ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
کاشی سرآمیکی، محوطه توریزی (دمشق)، ۱۸.۵ در ۲ سانتی‌متر	دوران باستان تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
لوح گلی به خط میخی با گوشه‌های گرد، ماری، ۷ × ۷.۱ سانتی‌متر	اوایل عصر برنز تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
سردر سنگ‌آهک سفید، ۲۵۳ در ۶۹ در ۶۶ سانتی‌متر	دوران باستان تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
تیر برنزی سوراخ‌دار، شام، ۱۱ در ۱۴ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
موزاییک مکعبی سنگ‌آهک از یک زیارتگاه با نقوش حیوانات و گیاهان (کل صحنه و یک جزئیات)، در تمشیحه، قطعه کامل ۸۵ در ۸۵ سانتی‌متر، مکعب‌های جداگانه ۰.۸ تا ۱ سانتی‌متر	دوران باستان تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
سرستون قرنی از جنس سنگ‌آهک سفید با دوریف برگ‌های آکانتی، حرم‌سرا، ابعاد ۶۱ در ۱۴ در عمق ۴۷ سانتی‌متر	دوران باستان تا دوره عثمانی (هزاره سوم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
جام سرآمیکی منقوش با هیف محفوظ، موماسخین، ۱۲ در ۶ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
گردنبند مهمه‌سنگی با نگین لاجورد، ماری، ۱۹.۲۶ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
فلاسک سرآمیکی ریخته‌گری شده بدون لعاب با کتیبه‌های عربی و تزیینات قالب‌گیری شده، حما، ۲۰ در ۱۰ در ۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
کاسه سرآمیکی نقاشی شده، باب شرقی (دمشق)، ۵ در ۹.۸ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
اسطرلاب فلزی، ۲.۵ در ۱۵.۳ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)
کوزه کروی سرآمیکی با نقوش هندسی قرمزرنگ، سوریه مرکزی، ۲۰ در حداکثر قطر ۱۵ سانتی‌متر	پیش از تاریخ تا دوره عثمانی (هزاره هفتم پیش از میلاد – ۱۹۱۸ میلادی)